

جر و بحثی درباره شورای به اصطلاح ملی!

امیرفیض- حقوقدان

یکی از ایرانیان که به احوالپرسی ام آمده بود برخلاف معمول بحث اعتراضی را مطرح کرد که قرار شد نوشته ای به آن موضوع تخصیص یابد.

اعتراض ایرانیان گرامی این بود که بنده به مسائل و موضوعات از دید حقوقی نگاه میکنم و این امر مانع تحقق فعالیت های گروه های مبارزاتی میشود، از باب نمونه مثال آورد که بسیاری از سازمان ها ثبت نشده اند ولی تحت نام سازمان فعالیت میکنند و کمک از مردم دریافت میدارند، و حتی خارجیان هم به آنها کمک میکنند، درحالیکه بنظر شما چنین جریانی درست نیست، و اخیرا هم که عنوان کلاهبرداری به آن داده اید.

عرض میشود، این نظرم نیست که جریان مزبور درست نیست، بلکه بیان قانون را آوردم که آنرا کلاهبرداری میداند.

قانون هم برای اصالت کار و فعالیت ها وضع شده و نمیتوان تصور کرد که رعایت آن باعث رکود فعالیت میشود.

اگر افراد و یا موسسات خیریه پولی بنام کمک به نامهای بدون ثبت و مسئول دریافت یا میپردازند یک امر خصوصی و شخصی است و نمیتواند سنتی باشد که قانون رادوربزند و یا مورد استقبال عموم قرارگیرد.

امر شخصی، اینکه، انسان پولش را بهرکس که میل دارد میدهد، ولی اگر شخصی بنام یک شخصیت حقوقی و یا سازمان و یا شورای ملی! با هدف و موضوع مشخص پولی از مردم دریافت کرد اینجا دیگر میل شخصی مطرح نیست بلکه مناسب مطرح است

مناسبت، یعنی؛ قصدی که سبب میشود تا انسان در یک جریان و یا معامله ای وارد شود. افرادی که پولی به شخصیت های حقوقی و یا طبیعی میدهند از دو حالت خارج نیست یا قصد تبرع^۱ دارند و یا قصد معامله یعنی پرداخت پول در مقابل عوضی که انتظار دارند، که در فعالیت های سیاسی آن عوض، همان است که در هدف سازمان و اسناد حقوقی سازمان عنوان شده است.^۲

پس پرداخت به شخصیت های حقوقی رابطه مستقیم دارد با اولاً وجود قانونی آن شخصیت و دوم اسناد و مدارکی که مسئولین و متصرفین دریافتی هارا مشخص ساخته باشد.

لذا معلوم است که اگر یک شخصیت حقوقی پولی از مردم دریافت کند که عنوان تبرع نداشته باشد و در عین حال آن شخصیت حقوقی فقط یک نام باشد و تولد حقوقی و قانونی و مسئول مالی و اصولاً اسنادی

^۱ - تبرع . [تَ بَرُّ رُ] (ع مص) چیزی بدان که واجب نباشد بدان آن (تاج المصادر بیهقی) . تبرع بعتاء؛ دهش کردن بی آنکه آن دهش ...

^۲ - در مورد شورای به اصطلاح ملی! ماده ۱۱ منظور است که مقدمات تجزیه ایران را فراهم میکند. ح-ک

که نشاندهنده هویت آن شخصیت حقوقی است را نداشته باشد، به عینہ معامله ای است که فروشنده کالا وجود خارجی نداشته باشد وباصحنه سازی وجعل نام ومقام پول مردم راگرفته است.

آیا اگر بجای انتخاب نام <شورای ملی ایران!> و اتصال آن به اعلیحضرت و علیاحضرت و همسر محترم اعلیحضرت یک شخصی دکانی بنام «موسسه مشهدی قلی» ارائه میداد کسانی حاضر میشدند که ۵۰۰ هزار دلار به «دکان مشهدی قلی» بپردازند؟

پس آنچه که امکان فراهم شدن اعتبار و اطمینان و در نهایت جمع آوری پول شده **صحنه سازی مستتر در نام شورای ملی** است؛ که نامی است فاقد موجودیت حقوقی، آیا شخص عاقلی حاضر است پولش را به چاهی بریزد که نمیداند ته چاه به کجا وصل است (چاه چمکران = جاهلان)؟ کسی حاضر است به صندوقی کمک کند که متصدی ومسئول ندارد، و فقط یک صندوق چوبی است که رویش نوشته شورای ملی!

باید فرق گذاشت بین کمک های انسانی با کمک های خدماتی و سیاسی، در کمک های انسانی کمتر شخصیت و اعتبار کمک گیرنده مطرح است، مسائل معنوی و اخلاق سبب کمک میشود <پده در راه خدا> - <تونیکی میکنی و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز> ولی در پرداختهای تجاری و یا فعالیت های سیاسی پرداخت کننده وجه بمناسبت عوضی [جایگزینی] که انتظار دارد پول میدهد، اگر عوض موهوم و یا نمایشی باشد کسانی که متصدی و گیرنده پول از مردم بوده اند البته که کلاهبردار محسوب میشوند.

اینکه تصور شود که رعایت اصول مانع فعالیت مبارزه میشود، تصور باطلی است. زیرا کلا هر کار اصولی هم، برای به نتیجه رسیدن بامشکلات بسیاری مواجه است تا چه رسد که بکارقلابی و متقلبانه، و کاری که بجای بار اعتباری با بار حقه بازی و قصد سوء و فرار از مسئولیت حرکت کند.

نظام حقوقی و رعایت آن از اسباب موفقیت است در هر کاری اعم از سیاسی و اقتصادی و غیره. نظام حقوقی سبب جلوگیری از سوء استفاده و هرج و مرج میشود. مسئولیت در نظام حقوقی مانع میشود که افراد به راه وطن فروشی و نوکری بیگانه درآیند و بنام نجات ایران توقعات خائنانه از بیگانه داشته باشند، مانع میشود که پولهای جمع آوری شده برای مبارزه به حساب شخصی آنها ریخته و یامصرف خصوصی شود.

۳

آیا ثبت یک شخصیت حقوقی، بنام شورای ملی ایران! و یانام دیگری و رعایت اصول حقوقی از موانع پیشرفت کار است و یابرعکس سبب بهم ریختگی مورد هرج و مرج و بیشتر حیف و میل کردن کمکهای مردم است.

شما وقتی میخواهید یک کار کوچکی انجام بدهید طرف شما خواستار احراز هویت میشود، چطور بدون اینکه احراز هویت یک شخصیت حقوقی بشود میتوان به عضویت آن درآمد و تعهدات آنرا برعهده گرفت.

۲ - شایع شده است خانم و آقای که در راس شورای به اصطلاح ملی! آنرا هدایت و اداره میکنند حقوق های ده هزار دلاری دریافت میکنند. مسئلتش شایعه پراکن ها. ح-ک

هم اکنون شورای باصطلاح ملی! یک سوژه واهی است مانند یک خیال است، سوژه واهی و خیال نمیتواند طرف معامله با مردم بشود وباصحنه سازی وبنام نجات ایران مردم را اغوا کند وپول آنها را بگیرد.^۴

مستند و بیان حقوقی

در رابطه با امور مالی شورای به اصطلاح ملی ایران!!، تمام افرادی که در جمع آوری آن ۵۰۰ هزار دلار معروف رسانه ای مشارکت داشته اند مسئول هستند وباب مسئولیت آنها در مراتب زیر خواهد بود:

الف - کسانی که آگاه بوده اند که شورای ملی ایران! نام بی محتوایی است که بنیثت نرسیده وفاقد مسئول مالی است، شریک جرم کلاهبرداری محسوب میشوند.

ب- آنهایی که از واهی بودن نام شورای ملی! آگاه نبوده اند و برای شورای ملی تبلیغ میکردند؛ دین اخلاقی دارند که از مردم عذرخواهی کنند.

پ - کسانی که واقعا به قصد نجات ایران در فعالیت های رسانه های گروهی و جمع آوری ۵۰۰ هزار دلار پولی پرداخت کرده اند، از آنجا که شورای ملی ایران! گیرنده وجه معرفی شده واز آنجا که چنین شورایی وجود نداشته وموهوم است، لذا وجود گُره وتدلّیس سبب میگردد که استرداد پول آن افراد، حق مسلم آنها شود.

ت - شخص ویا اشخاصی که وجوه جمع آوری شده در اختیار آنان قرار گرفته که نام آنها در برنامه جمع آوری پول عنوان شده حق مصرف آن وجوه را به حساب شورای ملی!! و یا اشخاص وابسته به آن نداشته اند، زیرا آنها نمیتوانند متوسل به آگاه نبودن از موقعیت ثبتي وحقوقی شورا بشوند و قانونا پراخت کننده وجه، مسئول احراز هویت وصلاحیت قانونی گیرنده وجه است، و در صورت عدم رعایت شخصا مسئول است.

لذا نظربه اینکه صاحب جمع وجوهات مزبور در مقابل پرداخت کنندگان وجه مسئولند لذا همان صاحب جمع وجوهات، هم حق دارند به افرادی که آن وجوهات را دریافت کرده اند رجوع کنند.

تجربه آموزی

آنچه عرض شد نسخه های قانونی است و بین نسخه وپیچیدن آن بسیار فاصله وناممکن هاست، که در شرائط فعلی نسخه را از پیچیدن باز میدارد ولی آنچه که بر شورای به اصطلاح ملی!! رفته ومیرود میتواند تجربه خوبی باشد که بی گذاربه آب ننزیم، بز اخفش نباشیم، قبول کنیم که دنیای امروز دنیای بی اعتمادی است، چیزی که بکل جایش خالی است مبارزه اصولی ومنطقی ومتکی به قانون برای رهائی کشور است، و چیزی که جای خالی مبارزه اصولی را گرفته؛ خود نمائی، چپاول و نوکری بیگانه است.

^۴ - انشعاب و شقه شدن ها هم سر همین پست و مقام و «پول» است... هرکسی از ظن خود (پولی که بدست خواهد آورد) یار این شورای به اصطلاح ملی شده است. وگرنه باخردی با حضور ماده مخرب و تجزیه کننده ۱۱ که حاضر به خیانت به کشور نمی شد. ح-ک

موضوع ۵۰۰ هزاردلاریست، که بسیاری از این پولها چه بوسیله ایرانیان و بیشتر بوسیله آمریکانیها جمع شده و حیف و میل شده است، بلکه موضوع اصلی تاثیرات منفی و بسیار زیان بار شوراست که اهم آن همان ماده ۱۱ قطعنامه، بیعت با خامنه ای و شرکت در انتخابات با آن توصیه نکبت باراست.

دیدم جاوید ایران عنوان <تابو> به قطعنامه شورای به اصطلاح ملی! داده بود، برای منوال که هیچکس جرات ورود به آنرا ندارد و فقط معترضین به حواشی میروند.

همینطور است قطعنامه شورا یک طرح تهیه شده از سوی دفتر مشترک آمریکا و فرانسه است و شورای به اصطلاح ملی! هم بمنظور زمینه سازی برای همان قطعنامه که کلا متوجه ماده ۱۱ است تشکیل شده است.

کمک خارجی در رابطه با قطعنامه است و البته که قطعنامه یک تابوست که اگر دگرگون شود و آن دگرگونی منطبق با خواست و رضایت دفتر مشترک آمریکا و فرانسه نباشد کمک بی کمک.

**

*